



قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا
 كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ ﴿٣٧﴾ هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَ
 هُدًى وَ مَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٣٨﴾ وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا
 وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٣٩﴾ إِنْ يَمَسُّكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ
 مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِّثْلَهُ ۚ وَ تِلْكَ الْآيَاتُ تُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ
 وَ لِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ يَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ ۗ وَ اللَّهُ
 لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ﴿٤٠﴾ وَ لِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا
 وَ يَمْحَقَ الْكَافِرِينَ ﴿٤١﴾ أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَ
 لَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَ يَعْلَمَ الصَّابِرِينَ ﴿٤٢﴾
 وَ لَقَدْ كُنْتُمْ تَمَتُّونَ الْمَوْتَ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُلْقَوْهُ فَقَدْ رَأَيْتُمُوهُ
 وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ﴿٤٣﴾ وَ مَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ
 قَبْلِهِ الرُّسُلُ ۚ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ ۚ وَ مَنْ
 يَنْقَلِبْ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا ۗ وَ سَيَجْزِي
 اللَّهُ الشَّاكِرِينَ ﴿٤٤﴾ وَ مَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ
 كِتَابًا مُّوَجَّلاً ۗ وَ مَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَ مَنْ يُرِدْ
 ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا ۚ وَ سَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ ﴿٤٥﴾

قطعاً پیش از شما سنت‌هایی وجود داشته [و سپری شده] است [امت‌ها، روش‌هایی داشتند و خدا بر اساس آن، سنت‌هایی را جاری ساخته است]. پس، در زمین بگردید و بنگرید که فرجام تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است؟ ﴿۱۳۷﴾

این [قرآن] بیانی است برای عموم مردم و برای پرهیزکاران، رهنمود و اندرزی است. ﴿۱۳۷﴾
و اگر مؤمنید، سستی نکنید و غمگین نشوید، که شما برترید. ﴿۱۳۸﴾

اگر به شما (در جنگ احد) آسیبی رسید، به دشمنان شما نیز (در بدر) شکست و آسیبی سخت وارد گردید، و ما این روزها [ی شکست و پیروزی] را میان مردم به نوبت می‌گردانیم [و این به‌خاطر مصالحی است که خدا می‌داند] تا خداوند کسانی را که [واقعاً] ایمان آورده‌اند معلوم بدارد، و از میان شما گوهانی بگیرد و خداوند ستمکاران را دوست نمی‌دارد. ﴿۱۳۹﴾

و تا خدا کسانی را که ایمان آورده‌اند، خالص گرداند و کافران را به تدریج نابود سازد. ﴿۱۴۰﴾

آیا چنین پنداشتید که [تنها با ادعای ایمان] وارد بهشت خواهید شد، در حالی که خداوند هنوز مجاهدان از شما را معلوم نساخته و صابران را مشخص نکرده است؟! ﴿۱۴۱﴾
و شما مرگ [و شهادت در راه خدا] را، پیش از آنکه با آن روبه‌رو شوید، آرزو می‌کردید؛ سپس آن را [با چشم خود] دیدید و در حالی که به آن نگاه می‌کردید [به آن تن ندادید! چقدر میان گفتار و کردار شما فاصله است؟! ﴿۱۴۲﴾

و محمد، جز فرستاده‌ای که پیش از او [هم] پیامبرانی [آمده و] گذشتند، نیست. آیا اگر او بمیرد یا کشته شود، به عقب باز می‌گردید؟ [و عقیده خود را رها کرده، به دوران جاهلیت و کفر بازگشت خواهید نمود؟] و هر کس از عقیده خود بازگردد، هرگز هیچ زبانی به خدا نمی‌رساند، و به زودی خداوند سپاسگزاران را پاداش می‌دهد. ﴿۱۴۳﴾

و هیچ نفسی جز به فرمان خدا نمیرد. [خداوند، مرگ را] به‌عنوان سرنوشتی معین [مقرر کرده است]. و هر که پاداش این دنیا را بخواهد [و در زندگی خود، در این راه گام بردارد] به او از آن می‌دهیم و هر که پاداش آن سرای را بخواهد، از آن به او می‌دهیم و به زودی سپاسگزاران را پاداش خواهیم داد. ﴿۱۴۴﴾



درس هشتم

سنت‌های خداوند در زندگی

در درس قبل با حقیقت اختیار و رابطه آن با قضا و قدر الهی آشنا شدیم و دانستیم که قانونمندی حاکم بر جهان خلقت، تجلی تقدیر الهی و زمینه‌ساز حرکت و پویایی انسان و به کارگیری اراده و اختیار اوست. در این درس می‌خواهیم با برخی از قوانین و سنت‌های الهی آشنا شویم تا بتوانیم با توجه به آنها بهتر برنامه‌ریزی کنیم و راه موفقیت را هموارتر سازیم.

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ
وَنَبْلُوكُم بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً
وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ^۱

هرکسی طعم مرگ را می‌چشد؛
و قطعاً ما شما را با شر و خیر می‌آزماییم
و به سوی ما بازگردانده می‌شوید.

أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكَوا
أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا
وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ^۲

آیا مردم گمان کردند رها می‌شوند
همین که بگویند ایمان آوردیم؛
و آزمایش نمی‌شوند؟

كُلًّا نُمِدُّ هُوْلَاءِ وَهَؤُلَاءِ

هر یک از اینان و آنان (خواهان آخرت و دنیا) را
مدد می‌رسانیم

مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ
وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا^۳

از عطای پروردگارت
و عطای پروردگارت [از کسی] منع نشده است.

وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا
لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا
وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ^۴

و کسانی که در راه ما جهاد [و تلاش] کنند
حتماً آنان را به راه‌های خود هدایت می‌کنیم.
و در حقیقت خداوند با نیکوکاران است.

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا
أَنَّمَا نُمِلُّ لَهُمْ
خَيْرًا لِأَنفُسِهِمْ
إِنَّمَا نُمِلُّ لَهُمْ
لِيَزِدُوا إِثْمًا
وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ^۵

آنان که کافر شدند، تصور نکنند که
اگر به آنان مهلت می‌دهیم،
به نفع آنها است،
فقط [به این خاطر] به آنان مهلت می‌دهیم
تا بر گناهان خود بیفزایند
و برای آنها عذابی خوارکننده است.

۱- سوره انبیاء، آیه ۳۵.

۲- سوره عنکبوت، آیه ۲.

۳- سوره اسراء، آیه ۲.

۴- سوره عنکبوت، آیه ۶۹.

۵- سوره آل عمران، آیه ۱۷۸.

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا
سَنَسْتَدْرِجُهُمْ
مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ
وَأُمْلِي لَهُمْ
إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ^۱

و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند
به تدریج گرفتار عذابشان خواهیم کرد،
از آن راه که نمی دانند،
و به آنها مهلت می دهیم
همانا تدبیر من استوار است.

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ
فَلَهُ عَشْرٌ أَمْثَالِهَا
وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ
فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا
وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ^۲

کسی که کار نیکی بیاورد
ده برابر آن [پاداش] می گیرد
و کسی که کار بدی بیاورد
جز به اندازه آن کیفر نمی شود
و بر آنان ستم نمی شود.

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا
وَاتَّقَوْا
لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم
بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ

و اگر مردم شهرها ایمان آورده
و تقوا پیشه می کردند،
قطعاً برایشان می گشودیم
برکاتی از آسمان و زمین

وَلَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ
بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ^۳

ولی تکذیب کردند، پس آنان را گرفتار ساختیم
به [کیفر] آنچه مرتکب می شدند.

با تفکر در آیات بالا، پیام های زیر را تکمیل کنید.

۱- هر انسانی در زندگی خود همواره به وسیله امور یا با امور

معرض است.

سوره / آیه

۱- سوره اعراف، آیات ۱۸۲ و ۱۸۳.

۲- سوره انعام، آیه ۱۶۰.

۳- سوره اعراف، آیه ۹۶.

- ۲- هرکس ادعای ایمان کند، قرار می‌گیرد.
سوره...../آیه.....
- ۳- رحمت واسعة الهی به همه افراد جامعه، چه نیکوکار و چه بدکار،
سوره...../آیه.....
- ۴- خداوند کسانی را که در راه او قدم بردارند، به طور خاص..... می‌کند.
سوره...../آیه.....
- ۵- خداوند به کافران مهلت می‌دهد و آنان از این مهلت
سوره...../آیه.....
- ۶- برخی گناهکاران به دست خویش خود را در معرض هلاکت قرار می‌دهند و.....
گرفتار عذاب می‌شوند.
سوره...../آیه.....
- ۷- خداوند پاداش کار نیک را چند برابر و کیفر کار بد را به اندازه خودش می‌دهد و این نشانه
..... الهی است.
سوره...../آیه.....
- ۸- مطابق با قانون الهی، آینده انسان براساس رقم می‌خورد.
سوره...../آیه.....

سنت‌های الهی

دانستیم که براساس تقدیر الهی، جهان خلقت قانونمند است و پدیده‌های آن در دایره قوانین خاصی مسیر تکاملی خود را می‌پیمایند. این قانونمندی اختصاص به پدیده‌های طبیعی ندارد و زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها را هم دربرمی‌گیرد. قرآن کریم از این قوانین با عنوان «سنت‌های الهی» یاد کرده و مردم را به شناخت آنها، به خصوص سنت‌های مربوط به زندگی انسان دعوت نموده است.^۱

شناخت قوانین جهان خلقت از طریق علمی مانند فیزیک، شیمی و زیست‌شناسی سبب آشنایی ما با نشانه‌های الهی و نیز بهره گرفتن از طبیعت می‌شود. اما شناخت قوانین حاکم بر زندگی انسان‌ها، موجب نگرش صحیح ما نسبت به تلخی‌ها و شیرینی‌ها، شکست‌ها و موفقیت‌ها، بیماری و سلامت و به طور کلی همه حوادث زندگی می‌شود و دیدگاه ما را نسبت به وقایع و حوادث جهان از دیگران ممتاز می‌سازد و بالاخره این شناخت در روابطمان با خدا، با خود، با خلقت و با دیگران تأثیر بسزایی دارد.

۱- سوره احزاب، آیه ۶۲؛ سوره فتح، آیه ۲۳؛ سوره نساء، آیه ۲۶؛ سوره آل عمران، آیه ۱۳۷.

برخی از سنت‌های الهی عبارت‌اند از :

۱- سنت ابتلاء : ابتلاء در لغت به معنای امتحان است و در اینجا به معنای قرار دادن فرد در تنگنا یا موقعیتی است که صفات درونی خود را بروز دهد و درستی یا نادرستی آنچه را که ادعا کرده مشخص سازد. البته میان امتحان الهی و امتحان بشری تفاوت وجود دارد و آن این است که در امتحان بشری ما غالباً از حقیقت درون افراد بی‌خبر هستیم و می‌کوشیم تا از طریق امتحان کردن آنها به آگاهی لازم برسیم؛ ولی امتحان خداوندِ علیم برای آگاه شدن از درون افراد نیست، بلکه برای رشد دادن و به ظهور رساندن استعدادها و نشان دادن تمایلات درونی افراد است.^۱

سنت ابتلاء عام‌ترین و فراگیرترین قانون خداوند است که ثابت و همیشگی است و شامل همه انسان‌ها در همه دوران‌ها می‌شود. به عبارت دیگر، زندگی هر انسانی، چه مؤمن و چه کافر، چه فقیر و چه غنی، چه سیاه و چه سفید، صحنه انواع امتحان‌ها و آزمایش‌هاست. هویت و شخصیت انسان‌ها با این ابتلائات ساخته می‌شود و شناخته می‌گردد. از این‌رو، کوچک‌ترین حادثه‌ای که پیرامون ما رخ می‌دهد، امتحانی برای ماست تا روشن شود که ما نسبت به آن حادثه چه تصمیمی می‌گیریم و چگونه عمل می‌کنیم. عمل درست، رشد و کمال و عمل غلط، عقب‌ماندگی و خسران ما را به دنبال دارد.

کدام آیه فعالیت «تدبر در قرآن» ابتدای درس، به این سنت اشاره دارد؟

موفقیت در هر مرحله‌ای از امتحان الهی یا ابتلاء سبب ورود فرد به مرحله‌ای برتر می‌شود و او را با امتحان‌های جدیدتر روبه‌رو می‌کند؛ درست مانند دانش‌آموزی که با موفقیت در هر امتحانی وارد مرحله‌ای بالاتر از امتحانات می‌گردد تا به موفقیت نهایی برسد. به‌طور مثال، اگر انسان ایمان به خداوند و بندگی او را اعلام کند، بنا به سنت ابتلاء، وارد امتحان‌ها و آزمایش‌های خاص آن می‌شود و به میزانی که در آزمون‌های اولیه سربلند بیرون آید، قدم در آزمون‌های بعد می‌گذارد و برای کسب کمالات برتر آماده می‌شود.

امام صادق علیه السلام درباره رابطه مراتب ایمان و مراتب امتحان می‌فرماید :

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُ	به راستی که مؤمن
بِمَنْزِلَةِ كَفَّةِ الْمِيزَانِ	به منزله کفه ترازوست
كُلَّمَا زِيدَ فِي إِيْمَانِهِ	هر اندازه ایمانش افزوده شود،
زِيدَ فِي بَلَاءِهِ ^۲	امتحان‌ش نیز سنگین‌تر می‌شود.

۱- المیزان، علامه طباطبایی، جلد اول، ذیل آیه «وإذا ابتلى إبراهيم...» (سوره بقره، آیه ۱۲۴).

۲- کافی، کلینی، ج ۲، ص ۲۵۴.

ممکن است بپرسید: خداوند با چه چیزی ما را امتحان می‌کند؟ پاسخ این است که او با هر امر خیر یا شری ما را می‌آزماید؛ بیماری یا سلامت، فقر یا ثروت، از دست دادن پدر و مادر یا داشتن پدر و مادر، بارش باران یا وقوع خشکسالی و به‌طور کلی هر حادثه شیرین یا تلخ، مواد امتحانی ما به حساب می‌آیند و نحوه مواجهه ما با آنها پیروزی یا شکست ما را رقم می‌زند و مهیای امتحانی دیگر می‌سازد.

کدام آیه فعالیت «تدبر در قرآن» ابتدای درس، به این نکته اشاره دارد؟.....

پاسخ سؤالات شما

ممکن است این سؤال برای شما پیش آید که چگونه هر حادثه شیرین یا تلخی می‌تواند وسیله ابتلاء و امتحان ما باشد؟

بسیاری از افراد، امور روزمره زندگی خود را جریان‌های عادی، و نه آزمایش و امتحان، تلقی می‌کنند. آنها می‌پندارند که امتحانات الهی تنها به لحظات سرنوشت‌ساز و استثنایی زندگی اختصاص دارد و فقط در چنین لحظاتی است که ایمان آدمی آزمایش می‌شود؛ در صورتی که با نگاهی دقیق درمی‌یابیم که هر ساعت از عمر ما با ده‌ها امتحان الهی همراه است و شکست یا پیروزی ما لحظه به لحظه در پرونده اعمال مان ثبت می‌گردد.

همین که هر لحظه، درباره افرادی که با آنان روبه‌رو می‌شویم قضاوت می‌کنیم خود نوعی امتحان است؛ و اگر خدای ناکرده در فکر و اندیشه خود با سوء ظن با دیگران مواجه شویم در آزمایش شکست خورده‌ایم. همچنین در مواجهه با هر عملی از طریق توجه به رعایت حریم واجبات و محرمات امتحان می‌شویم. در هنگام حضور در میان مردم نیز از طریق رعایت حقوق دیگران مورد آزمایش قرار می‌گیریم. به‌طور کلی جای زندگی انسان محلی برای امتحان است. انسان مؤمن با توجه به همین مسئله است که لحظه لحظه گفتار و کردار خود را در معرض آزمایش الهی می‌داند و سعی می‌کند نوع و سبک زندگی خود را به گونه‌ای قرار دهد که در آزمایش الهی سربلند بیرون آید. به این خاطر درباره شهید ابراهیم هادی توجه کنید:

«ورزشکار بود و قد و اندام مناسبی داشت. هرروز با ساک دستی و لباس ورزشکاری به سمت باشگاه می‌رفت. یک بار رفقایش به او گفتند: دیروز دو تا دختر دنبال تو بودند و درباره تو حرف می‌زدند. ماشاءالله با این تیپ و هیکل، خوب جلب توجه می‌کنی!

از فردا دیگر ساک ورزشی بر نمی‌داشت! لباس‌های ورزشی خود را داخل کیسه نایلونی

می گذاشت و یک پیراهن گشاد می پوشید و روی شلوارش می انداخت؛ می گفت نمی خواهم با نوع پوشش من، ذهن یک جوان را مشغول کنم.»^۱

تفکر در متن

چه تفاوت هایی میان کسی که مصیبت و گرفتاری را امتحان الهی می داند با کسی که آن را یک پیشامد طبیعی می شمارد وجود دارد؟

- ۱-
- ۲-
- ۳-

۲- امداد عام الهی: سنت دیگر، سنت امداد الهی است. وقتی انبیا مردم را به دین الهی فرا می خوانند مردم در برابر این دعوت دو دسته می شوند: دسته ای به ندای حقیقت پاسخ مثبت می دهند و هدایت الهی را می پذیرند و دسته ای لجاجت ورزیده و در مقابل حق می ایستند. خداوند، سنت و قانون خود را بر این قرار داده که هر کس، هر کدام از این دو راه را برگزیند، بتواند از همین امکاناتی که خدا در اختیارش قرار داده (مانند قدرت اراده، توان جسمی و فکری، امکانات موجود در جهان خلقت و...) استفاده کند تا در همان مسیری که انتخاب کرده است به پیش رود و باطن خود را آشکار کند. در واقع خداوند امکانات و لوازم رسیدن به خواسته ها و هدف های هر دو گروه را یکسان فراهم کرده است، حال، کسی که راه حق را برمی گزیند لوازم و امکانات رسیدن به حق را می یابد و مراتب کمال را می پیماید و کسی که فقط دنیا را انتخاب کرده و برای آن تلاش می کند همان را به دست می آورد.^۲ البته اینان عواقب زیانبار تصمیم غلط خود را در آخرت مشاهده خواهند کرد. بنابراین روی آوردن دنیا و لذت های دنیوی به برخی انسان های گناهکار نشانه لطف خداوند به آنان نیست. قرآن کریم در این باره می فرماید:

کسانی که زندگی دنیا و تجملات آن را بخواهند، حاصل کارهایشان را در همین دنیا به آنان می دهیم و کم و کاستی نخواهند دید. اما اینان در آخرت جز آتش دوزخ ندارند و هر چه در دنیا کرده اند بر باد رفته و آنچه را که انجام می دهند، باطل است.^۳

۱- برگرفته از کتاب «سلام بر ابراهیم»؛ خاطراتی از زندگی شهید ابراهیم هادی.

۲- سوره اسراء، آیات ۱۸ تا ۲۰.

۳- سوره هود، آیات ۱۵ و ۱۶.

۳- امداد خاص (توفیق الهی): امداد خاص خدای متعال نسبت به آنان که با نیت پاک قدم در راه حق گذارند و سعادت جهان آخرت و رضایت پروردگار را هدف خود قرار دهند، «توفیق الهی» نام دارد. در فرهنگ قرآن کریم، توفیق به معنای آسان نمودن است؛ یعنی همراه با سعی و تلاشی که انسان از خود نشان می‌دهد، خداوند نیز شرایط و اسباب را چنان فراهم می‌سازد که وی بتواند آسان‌تر به مقصد برسد.

یکی از جلوه‌های این توفیق، نصرت و هدایت الهی به دنبال تلاش و مجاهدت است.^۱ خداوند، انسان تلاشگر و مجاهد را حمایت می‌کند، دست او را می‌گیرد و با پشتیبانی خود به پیش می‌برد.

کدام آیه فعالیت «تدبر در قرآن» ابتدای درس، به این نکته اشاره دارد؟

از جلوه‌های دیگر توفیق الهی، ایجاد زمینه مناسب برای رشد و تعالی شخص مؤمن می‌باشد مانند یافتن دوست خوب، شرکت در یک جلسه قرآنی و خواندن یک کتاب تأثیرگذار و هدایتگر و پیدا کردن توفیق توبه و استغفار.

در کسب توفیق الهی، عامل درونی هم نقش تعیین‌کننده دارد. برای مثال، دو نفر با هم آیاتی از قرآن را از رسول اکرم ﷺ می‌شنیدند، اما این آیات ایمان یکی را تقویت می‌کرد ولی بر لجاجت و کفر دیگری می‌افزود؛ و مثال دیگر: دو نفر با هم از کنار مسجدی می‌گذرند و صدای اذان را می‌شنوند، یکی به مسجد می‌رود تا نماز اول وقت خود را بخواند و دیگری بدون توجه از کنار مسجد می‌گذرد.

۴- سبقت رحمت بر غضب^۲: از آنجا که خداوند به بندگان خود محبت دارد، با همه آنان، چه نیکوکار و چه گناهکار، به لطف و مهربانی رفتار می‌کند. او به بندگان خود اعلام می‌کند که:

پروردگار شما، رحمت را بر خود واجب کرده است.^۳

یعنی حتی آنجا که خداوند بر کسی غضب می‌کند، باز هم از دریچه لطف و رحمت است؛ مانند مادری که بر فرزندش سخت می‌گیرد و یا در مواردی او را تنبیه می‌کند تا او را از اشتباه باز دارد و به هیچ وجه قصد انتقام‌گیری از فرزند خود را ندارد. از همین جهت است که راه بازگشت گناهکار به خدا همیشه باز است.

آمزش گناهان با توبه، آمزش برخی گناهان با انجام کار نیک^۴، حفظ آبروی بندگان گناهکار،

۱- سوره آل عمران، آیات ۱۲۳ تا ۱۲۵؛ سوره انفال، آیه ۴۴؛ سوره بقره، آیه ۲۴۹.

۲- مقصود از غضب الهی، محروم کردن ظالمین و فاسقان از برخی نعمت‌ها و گرفتار کردن آنها در عذاب‌های دنیوی و اخروی است.

۳- سوره انعام، آیه ۵۴.

۴- سوره هود، آیه ۱۱۴.

پذیرش عبادت اندک^۱ و رضایت سریع از کسی که طلب آمرزش کرده^۲، نمونه‌هایی از سبقت رحمت خدا بر غضب او است.

یکی از موارد سبقت رحمت بر غضب خدا آن است که وقتی انسان کار نیکی انجام می‌دهد، خداوند به فرشته‌اش فرمان می‌دهد که فوراً آن را ثبت نماید، اما وقتی گناهی مرتکب می‌شود از فرشته خود می‌خواهد صبر کند تا بنده‌اش توبه کند و جبران نماید؛ و در صورتی که بنده توبه نکرد آن گناه را ثبت نماید.^۳ همچنین خداوند عمل نیک را چند برابر پاداش و کار بد را فقط به اندازه خودش جزا می‌دهد.^۴

۵- املاء و استدراج: انسانی که به دام گناه می‌افتد، خداوند برای او شرایطی فراهم می‌کند که بتواند توبه کند و از گناه دوری نماید؛ حتی اگر بارها گناه کرد و توبه نمود، باز هم خداوند از گناه او می‌گذرد. اما اگر کسانی چنان در گناه و باطل پیش روند که از کار خود خرسند باشند و با حق دشمنی و لجاجت ورزند، خداوند به آنها فرصتی می‌دهد و آنها این فرصت را وسیله غوطه‌ور شدن در تاریکی‌ها قرار می‌دهند، به طوری که اگر در ابتدا، اندک امیدی وجود داشت که نور حق در دلشان بتابد، به تدریج چنین امیدی بر باد رفته و به سقاوت ابدی گرفتار می‌شوند. در حقیقت، مهلت‌ها و امکانات، با اختیار و اراده خودشان به صورت بلای الهی جلوه‌گر شده و باعث می‌شود که بار گناهان آنان هر روز سنگین و سنگین تر شود. این سنت که از جمله سنت‌های حاکم بر زندگی معاندان و غرق‌شدگان در گناه است، سنت «املاء» یا «امهال»^۵ نام دارد.

کدام آیه فعالیت «تدبر در قرآن» ابتدای درس، به این سنت اشاره دارد؟

گاهی خداوند علاوه بر مهلت دادن به گمراهان، بر امکانات آنان می‌افزاید و آنها با استفاده از همین امکانات و با اصرار خودشان، بیشتر در فساد فرو می‌روند و قدم به قدم از انسانیت فاصله گرفته به تدریج به سوی هلاکت ابدی نزدیک‌تر می‌شوند. چنین حالت تدریجی در حرکت به سوی عذاب الهی را سنت «استدراج» می‌خوانند.

قرار گرفتن در دایره سنت املاء و سنت استدراج نتیجه عمل خود انسان‌هاست. بنابراین باید بکوشیم که در دایره این سنت‌ها قرار نگیریم تا به هلاکت ابدی گرفتار نشویم.

۱- «... یا مَنْ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ وَيَعْفُو عَنِ الْكَثِيرِ...». مفاتیح الجنان، دعای سحر.

۲- «... یا سریع‌الرضا...». دعای کمیل.

۳- کافی، کلینی، ج ۲، ص ۴۲۷.

۴- سوره شوری، آیه ۴۰؛ سوره انعام، آیه ۱۶۰.

۵- املاء و امهال به معنای مهلت دادن است.

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «هنگامی که خداوند خیر بنده‌اش را بخواهد، اگر بنده گناهی مرتکب شود او را گوشمالی می‌دهد تا به یاد توبه بیفتد و هنگامی که شر بنده‌اش [بنده‌ای که غرق گناه شده است] را بخواهد، بعد از انجام گناه نعمتی به او می‌بخشد تا استغفار را فراموش کند و به راه خود ادامه دهد. این همان است که خداوند فرموده: **سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ**»^۱

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید: «چه بسا احسان پیاپی خدا، کسی را گرفتار کند و پرده‌پوشی خدا او را مغرور سازد و با ستایش مردم فریب خورد و خدا هیچ کس را همانند کسی که به او مهلت داده، امتحان و آزمایش نکرده است.»^۲

— کدام آیه فعالیت «تدبر در قرآن» ابتدای درس، به سنت استدرج اشاره دارد؟.....

پیام آیات

- ۱- با توجه به آیه ۹۶ سوره اعراف تحلیل کنید که حکمت برخی پیشامدهای سخت و ناگوار در زندگی چیست؟
- ۲- با توجه به آیات ۱۸۲ و ۱۸۳ سوره اعراف تحلیل کنید که در چه صورتی و فور نعمت نشانه سنت استدرج است؟

بیشتر بدانیم

گرفتار شده در استدرج

در خطبه‌ای که حضرت زینب (علیها السلام) در شام و در برابر یزید ایراد کرد این گونه یزید را مورد خطاب قرار داد:^۳

... ای یزید، آیا گمان برده‌ای حال که جای جای زمین و آفاق آسمان را بر ما گرفتی و بستی و ما چونان کنیزان رانده شدیم، مایه خواری ما و موجب کرامت توست و حکایت از عظمت جایگاه تو دارد، که این چنین باد در بینی انداخته‌ای، و برق شادی و سرور از دیدگانت می‌جهد؟! اندکی آرام گیر، مگر سخن خدای را فراموش کرده‌ای که فرمود: «گمان مبرند آنان که کافر

۱- تفسیر برهان، سید هاشم بحرانی، ج ۲، ص ۱۵۳.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۲۶۰، ابتدای عبارت: «کم من مستدرج...».

۳- لهوف، سید ابن طاووس، صص ۲۱۶-۲۱۴.

شدند و ما آنان را مهلت دادیم. (این مهلت) برای آنان خیر است، ما همانا مهلت دادیم آنان را که بر گناه خود بیفزایند برای آنان عذاب خوارکننده خواهد بود» (سوره آل عمران، آیه ۱۷۸).

۶- تأثیر اعمال انسان در زندگی او : رهنمودهای قرآن کریم و پیشوایان دین بیانگر آن است که آینده زندگی هر فرد و اتفاقاتی که برای او رخ می‌دهد، در موارد بسیاری تحت تأثیر رفتارهای گذشته او، اعم از رفتارهای خوب و بد است.

به طور مثال، امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید :

مَنْ يَمُوتُ بِالذُّنُوبِ
أَكْثَرُ مِمَّنْ يَمُوتُ بِالْأَجَالِ
وَمَنْ يَعِيشُ بِالْإِحْسَانِ
أَكْثَرُ مِمَّنْ يَعِيشُ بِالْأَعْمَارِ^۱

کسانی که به واسطه گناه می‌میرند
از کسانی که به واسطه سرآمد عمرشان می‌میرند، بیشترند.
و کسانی که به سبب نیکوکاری زندگی دراز دارند،
از کسانی که به عمر اصلی زندگی می‌کنند، بیشترند.

همچنین در تعالیم دینی آمده است که صله رحم و محبت به خویشان و دادن صدقه، عمر را افزایش می‌دهد^۲ و قطع رحم و بی محبتی به خویشان عمر را کاهش می‌دهد.^۳ احسان به والدین، امانت داری، لقمه حلال، آب دادن به درخت تشنه^۴ یا سیراب کردن حیوانات^۵ و نیز برطرف کردن اندوه و غصه دیگران زندگی را بهبود می‌بخشد. ظلم به دیگران و افزایش گناه، اعم از فردی و اجتماعی، آثار زیانباری از جمله نزول بلا و عدم استجاب دعا را به دنبال دارد،^۶ همان طور که تقوا و ایمان واقعی به خداوند سبب نزول برکات الهی می‌گردد.^۷

کدام آیه فعالیت «تدبر در قرآن» ابتدای درس، به این سنت اشاره دارد؟

۱- بحار الانوار، مجلسی، ج ۵، ص ۱۴۰.

۲- عیون اخبار الرضا، صدوق، ج ۲، ص ۳۷.

۳- کافی، کلینی، ج ۲، ص ۱۵۳.

۴- تفسیر العیاشی، عیاشی، ج ۲، ص ۸۶.

۵- بحار الانوار، مجلسی، ج ۶۲، ص ۶۵.

۶- سوره اعراف، آیات ۷۷ و ۷۸ و آیات ۱۶۶ تا ۱۶۳.

۷- سوره اعراف، آیه ۹۶.

اکنون که با برخی از مهم‌ترین سنت‌های خداوند آشنا شدیم، لازم است برای حرکت درست در بستر این سنت‌ها و بهره‌مندی مطلوب از آنها به سؤال‌های زیر پاسخ دهیم و مطابق با پاسخ‌های خود برنامه ریزی کنیم.

۱- برای اینکه از سنت امتحان و ابتلا موفق بیرون آییم چه اقداماتی باید انجام دهیم؟

.....

.....

.....

۲- برای اینکه از توفیق الهی بهره‌مند شویم چه برنامه‌هایی را پیشنهاد می‌دهید؟

.....

.....

.....